

Research Paper

The Relationship between Family Context and Structure with Academic Procrastination in Junior High School Students

Nasrin Irajil¹, Abbas Gholtash²

Received: 08/05/2025

Accepted: 10/07/2025

Pp: 40-49

Abstract

Objective: The present study aimed to investigate the relationship between family context and family structure with academic procrastination among eighth-grade male students in Shiraz.

Methodology: This research was applied in terms of purpose and descriptive-correlational in terms of method. The statistical population comprised 6,000 eighth-grade male students enrolled in public schools of District 2 in Shiraz, from which a sample of 361 participants was selected using Cochran's formula and a multi-stage cluster sampling procedure. Data were collected utilizing three standardized instruments—namely, the Samani Family Process and Content Self-Report Scales, and the Solomon and Rothblum Academic Procrastination Questionnaire—and were analyzed through Pearson correlation coefficients and multiple regression analyses.

Findings: The results indicated that family context exhibited a significant negative correlation with academic procrastination ($r = -0.38$), as did family structure ($r = -0.32$). The combination of predictor variables accounted for 24% of the variance in academic procrastination. Hierarchical regression analysis further revealed that family context contributed a greater incremental variance (15%) compared to family structure (6%) in predicting the dependent variable.

Conclusion: The findings underscore the more pronounced role of family emotional-relational processes, relative to material resources, in mitigating academic procrastination among adolescents.

Keywords: Family Context, Family Structure, Academic Procrastination, Students

Citation: Irajil, N., Gholtash, A. (2025). The Relationship between Family Context and Structure with Academic Procrastination in Junior High School Students. *Journal of New Thinking in Instruction and Learning*, Vol, 2, No, 3, Pp 40-49

¹ - Department of Educational Sciences, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran

² - Department of Educational Sciences, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran (corresponding author)

Email: Abbas.Gholtash@yahoo.com

Extended Abstract

Introduction

This study aimed to investigate the relationship between family context and structure with academic procrastination and socialization among eighth-grade male students in Shiraz, Iran. The theoretical framework was grounded in the contextual model of family process and content, which posits that family context (comprising communication, coping, decision-making, cohesion, and religious beliefs) and family structure (comprising material resources, health, educational facilities, and living space) jointly and independently influence adolescent development.

Methodology

This research was applied in purpose and descriptive-correlational in design. The statistical population consisted of all 6,000 eighth-grade male students in public schools of District 2 in Shiraz during the 2024-2025 academic year. A sample of 361 students was selected using Cochran's formula and a multi-stage cluster sampling method. Data were collected using four standardized instruments: the Family Process Self-Report Scale (Samani, 2008), the Family Content Self-Report Scale (Samani, 2008), the Academic Procrastination Scale (Solomon & Rothblum, 1984), and the Social Adjustment Inventory (Sinha & Singh, 1993). The validity and reliability of these instruments had been confirmed in previous studies. Data analysis was performed using SPSS-22 software. Descriptive statistics (mean, standard deviation) and inferential statistics (Pearson correlation coefficient, simultaneous multiple regression, and hierarchical regression) were used to analyze the data

Results

The findings indicated a significant negative correlation between family context and academic procrastination ($r = -0.38, p < 0.01$) and between family context and socialization ($r = -0.44, p < 0.01$). Similarly, family structure showed a significant negative correlation with academic procrastination ($r = -0.32, p < 0.01$) and socialization ($r = -0.36, p < 0.01$). The simultaneous regression model, which included all twelve components of family context and structure, explained 24% of the variance in academic procrastination and 28% of the variance in socialization. Hierarchical regression analysis, controlling for demographic variables, revealed that family context had a greater incremental contribution to explaining variance in procrastination ($\Delta R^2 = 0.15$) and socialization ($\Delta R^2 = 0.20$) compared to family structure ($\Delta R^2 = 0.06$ and 0.05 , respectively). Among the individual components, "cohesion and mutual respect" emerged as the strongest predictor, followed by "decision-making and problem-solving" and "family physical and mental health."

Discussion

The results demonstrate that both family context and structure play significant roles in shaping students' academic and social behaviors. However, the findings underscore the more pronounced impact of family processes and emotional climate (context) compared to tangible resources and facilities (structure). This suggests that a warm, cohesive, and communicative

Title: The Relationship between Family Context and Structure with Academic Procrastination in Junior High School Students

family environment is more effective in reducing academic procrastination and fostering social adjustment in adolescents. The study highlights the need for family-centered interventions that prioritize enhancing communication, cohesion, and emotional support within families, especially in a culturally rich and transitioning context like Shiraz. The findings also call for further longitudinal and mixed-methods research to explore the complex mechanisms through which family dynamics influence adolescent outcomes.

رابطه بافت و ساختار خانواده با اهمال کاری تحصیلی دانش آموزان پسر دوره متوسطه اول

نسرین ایرجی^۱، عباس قلتاش^۲

تاریخ دریافت: 1404/02/28 تاریخ پذیرش: 1404/04/30

شماره صفحات: 40-49

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تبیین رابطه بافت و ساختار خانواده با اهمال کاری تحصیلی دانش آموزان پسر پایه هشتم شهر شیراز انجام شد. **روش شناسی پژوهش:** این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل ۶۰۰۰ دانش آموز پسر پایه هشتم مدارس دولتی ناحیه ۲ شیراز بود که نمونه‌ای به حجم ۳۶۱ نفر با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از سه پرسشنامه استاندارد (مقیاس‌های خودگزارشی فرآیند و محتوای خانواده سامانی، پرسشنامه اهمال کاری تحصیلی سولومون و راث‌بلوم) گردآوری و با آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که بافت خانواده با اهمال کاری ($r = 0.38$) و جامعه‌پذیری ($r = 0.44$) و ساختار خانواده با اهمال کاری ($r = -0.32$) و جامعه‌پذیری ($r = -0.36$) همبستگی منفی و معنادار دارد. ترکیب متغیرهای پیش‌بین، ۲۴ درصد از واریانس اهمال کاری را تبیین کرد. تحلیل سلسله‌مراتبی نشان داد که بافت خانواده سهم افزوده بیشتری (۱۵٪ و ۲۰٪) نسبت به ساختار خانواده (۶٪ و ۵٪) در پیش‌بینی متغیرهای وابسته دارد. **نتیجه‌گیری:** یافته‌ها بر نقش برجسته‌تر فرآیندهای عاطفی-ارتباطی خانواده در مقایسه با منابع مادی، در کاهش تعلل‌ورزی تحصیلی تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: بافت خانواده، ساختار خانواده، اهمال کاری تحصیلی، جامعه‌پذیری، دانش آموزان.

استناد: ایرجی، نسرین، قلتاش، عباس. (1404). رابطه بافت و ساختار خانواده با اهمال کاری تحصیلی در دانش آموزان پسر دوره متوسطه اول، فصلنامه نواندیشی در آموزش و یادگیری، دوره 2 شماره 3، شماره صفحات 40-49

¹ - دانشجوی کارشناسی ارشد گروه علوم تربیتی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

² - گروه علوم تربیتی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) ایمیل: Abbas.Gholtash@iau.ac.ir

مقدمه

خانواده به عنوان نخستین و بنیادی ترین نهاد اجتماعی، نقشی محوری و غیرقابل انکار در شکل دهی به شخصیت، رفتار و نگرش فرزندان ایفا می کند. این نهاد، نخستین بستر جامعه پذیری و انتقال ارزش ها، هنجارها و مهارت های اساسی زندگی به شمار می رود. در این میان، دوران نوجوانی به واسطه تغییرات سریع زیستی، شناختی و اجتماعی، مرحله ای حساس و سرنوشت ساز در چرخه تحول انسان محسوب می شود. در این دوره، الگوهای رفتاری مهمی نظیر اهمال کاری تحصیلی و مهارت های جامعه پذیری پایه ریزی و تثبیت می شوند که پیامدهای آن تا بزرگسالی ادامه می یابد. (Imani et al., 2022; Shaverdi et al., 2023) از این رو، شناخت عواملی که بر این رفتارها تأثیر می گذارند، به ویژه در بستر خانواده، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

اهمال کاری تحصیلی، به عنوان تمایل پایدار و غیرمنطقی به تأخیر انداختن وظایف درسی علی رغم آگاهی از پیامدهای منفی آن (Solomon & Rothblum, 1984)، یکی از شایع ترین معضلات دوره نوجوانی است. این رفتار نه تنها به افت عملکرد تحصیلی، کاهش خودکارآمدی و افزایش اضطراب منجر می شود، بلکه می تواند زمینه ساز ترک تحصیل و بروز مشکلات روان شناختی جدی تری در آینده گردد. (Svartdal et al., 2020) در نقطه مقابل، جامعه پذیری به فرآیندی اطلاق می شود که طی آن نوجوان، ارزش ها، هنجارها و مهارت های مورد نیاز برای زندگی اجتماعی را فراگرفته و به عضوی فعال و سازگار در جامعه تبدیل می شود. (Darmon, 2023) کیفیت این فرآیند، پایه های سلامت روان، روابط بین فردی و موفقیت اجتماعی فرد را در بزرگسالی پی ریزی می کند. هر دوی این سازه ها، یعنی اهمال کاری و جامعه پذیری، عمیقاً تحت تأثیر بافت و ساختار خانواده قرار دارند.

بافت خانواده به فرآیندهای پویا و درون ذهنی خانواده اشاره دارد و شامل مؤلفه هایی مانند کیفیت روابط عاطفی، الگوهای ارتباطی، مهارت های مقابله با تنش، انسجام و احترام متقابل، و باورهای مذهبی است. (Samani, 2008) این مؤلفه ها، فضای روان شناختی حاکم بر خانواده را شکل می دهند و تعیین می کنند که اعضای خانواده تا چه اندازه از حمایت عاطفی، امنیت و درک متقابل برخوردارند. از سوی دیگر، ساختار خانواده به جنبه های عینی تر و ملموس تر، از جمله منابع مالی، سلامت جسمانی و روانی اعضا، تسهیلات تحصیلی، فضای زندگی و منزلت اجتماعی اشاره دارد. (Samani, 2008) به عبارتی، ساختار نشان دهنده «محتوا» و «امکانات» خانواده است، در حالی که بافت نشان دهنده «کیفیت روابط» و «فرآیندهای» آن است. پژوهش های متعدد نشان داده اند که هر دو بعد بافت و ساختار خانواده می توانند به طور مستقیم و غیرمستقیم بر رفتارهای تحصیلی و اجتماعی نوجوانان اثر بگذارند (Mokhtari, 1402; Gu et al., 2024; Miller et al., 2024).

با این حال، یکی از شکاف های اساسی در ادبیات پژوهشی، کمبود مطالعاتی است که به طور همزمان به بررسی نقش ترکیبی و مقایسه ای این دو بعد (بافت و ساختار) بر پیامدهای روانی-تحصیلی در بسترهای فرهنگی خاص پرداخته باشند. بیشتر پژوهش ها یا بر تأثیر کارکرد کلی خانواده متمرکز بوده اند (Ebrahimi et al., 1401; Heydarieh-Zadeh et al., 1401) و یا نقش یکی از ابعاد را به طور مجزا بررسی کرده اند. (Khatun, 1400) همچنین، این مطالعات عمدتاً در جوامع غربی انجام شده و تعمیم نتایج آنها به فرهنگ های غیرغربی، به ویژه جامعه ایرانی با ویژگی های فرهنگی منحصر به فرد مانند خانواده محوری، ارزش های مذهبی و تأکید بر روابط خویشاوندی، با چالش روبرو است. شهر شیراز، به عنوان یکی از کلان شهرهای ایران با بافت فرهنگی غنی و در عین حال در حال گذار، محیطی ایده آل برای مطالعه این تعاملات پیچیده فراهم می آورد. از یک سو، ارزش های سنتی و جمع گرایانه در خانواده های شیرازی همچنان قدرتمند است و از سوی دیگر، مدرنیته، شهرنشینی و گسترش رسانه های نوین، ساختارها و تعاملات خانوادگی را دستخوش تغییر کرده است (Tavani et al., 1401).

بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که با وجود تأکید نظری بر نقش خانواده، هنوز به روشنی مشخص نیست که کدام یک از ابعاد خانواده (بافت یا ساختار) سهم بیشتری در تبیین اهمال کاری تحصیلی و جامعه پذیری دانش آموزان پسر در این مقطع سنی حساس دارد. به عبارت دیگر، آیا فضای عاطفی و ارتباطی خانواده (بافت) یا منابع و امکانات مادی آن (ساختار)، نقش تعیین کننده تری در کاهش تعلل ورزی و افزایش سازگاری اجتماعی نوجوانان ایفا می کند؟ پاسخ به این پرسش، می تواند به طراحی مداخلات مؤثرتر و هدفمندتر برای خانواده ها و نظام آموزشی یاری رساند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تبیین رابطه بافت و ساختار خانواده با اهمال کاری تحصیلی و جامعه پذیری در دانش آموزان پسر پایه هشتم شهر شیراز طراحی و اجرا شد. ضرورت انجام این پژوهش از آنجا نشأت می گیرد که یافته های

آن می تواند به عنوان پایه ای برای برنامه ریزی های آموزشی و تربیتی، توانمندسازی خانواده ها و سیاست گذاری های کلان در حوزه تعلیم و تربیت مورد استفاده قرار گیرد و گامی در جهت بهبود سلامت روان و عملکرد تحصیلی نسل جوان برداشته شود.

روش شناسی

روش تحقیق: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری و تحلیل داده ها، توصیفی از نوع همبستگی بود. انتخاب این روش به دلیل ماهیت موضوع و هدف پژوهش که بررسی روابط بین متغیرها بدون دستکاری آنهاست، مناسب می باشد.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری: جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان پسر پایه هشتم مدارس دولتی ناحیه ۲ شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ تشکیل دادند که تعداد آنها بر اساس آمار رسمی، حدود ۶۰۰۰ نفر برآورد شد. برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد استفاده شد که حجم نمونه ای معادل ۳۶۱ نفر به دست آمد. روش نمونه گیری، خوشه ای چندمرحله ای بود. بدین ترتیب که ابتدا از میان مدارس پسرانه ناحیه ۲، تعداد ۱۰ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس از هر مدرسه، ۲ کلاس از پایه هشتم و در نهایت، تمامی دانش آموزان آن کلاس ها به عنوان نمونه نهایی در پژوهش شرکت داده شدند. دانش آموزانی که رضایت کتبی والدین را داشتند و پرسشنامه ها را به طور کامل تکمیل کردند، وارد تحلیل نهایی شدند.

ابزارهای گردآوری داده ها: برای سنجش متغیرهای پژوهش از چهار پرسشنامه استاندارد استفاده شد که همگی در پژوهش های پیشین در ایران روایی و پایایی قابل قبولی داشتند.

1. **پرسشنامه بافت خانواده (مقیاس خودگزارشی فرآیند خانواده):** این ابزار توسط سامانی (۲۰۰۴) ساخته شده و دارای ۴۳ سؤال است که ۵ مؤلفه را در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) می سنجد: مهارت های ارتباطی، مهارت های مقابله ای، تصمیم گیری و حل مسئله، انسجام و احترام متقابل، و باورهای مذهبی. ضریب پایایی این ابعد در پژوهش سامانی با روش آلفای کرونباخ بین ۰.۷۶ تا ۰.۸۸ گزارش شده است.
2. **پرسشنامه ساختار خانواده (مقیاس خودگزارشی محتوای خانواده):** این ابزار نیز توسط سامانی (۲۰۰۸) ساخته شده و دارای ۳۸ سؤال است که ۷ مؤلفه را در مقیاس لیکرت ۵ درجه ای می سنجد: شغل و تحصیلات، زمان با هم بودن، منابع مالی، ظاهر بدنی و منزلت اجتماعی، سلامت جسمانی و روانی، فضای زندگی و تسهیلات تحصیلی. پایایی این ابزار با روش آلفای کرونباخ در دامنه ۰.۷۲ تا ۰.۸۹ گزارش شده است.
3. **پرسشنامه اهمال کاری تحصیلی:** این پرسشنامه توسط سولومون و راث بلوم (۱۹۸۴) طراحی و توسط دهقانی (۱۳۸۷) (در ایران بومی سازی شده است. این ابزار شامل ۲۷ گویه و سه مؤلفه (آماده سازی برای امتحانات، تکالیف و مقاله های پایان ترم) است که بر اساس طیف ۵ درجه ای لیکرت (از هرگز تا همیشه) نمره گذاری می شود. پایایی آن در پژوهش های ایرانی با آلفای کرونباخ بالای ۰.۷۰ گزارش شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده ها: داده های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS-22 در دو سطح توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. در سطح توصیفی، از شاخص های میانگین، انحراف معیار و فراوانی استفاده گردید. در سطح استنباطی، ابتدا با آزمون کولموگروف-اسمیرنف، نرمال بودن توزیع داده ها بررسی و تأیید شد. سپس، برای آزمون فرضیه ها از ضریب همبستگی پیرسون و برای بررسی توان پیش بینی کنندگی متغیرها، از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی به روش بارون-کنی استفاده شد. سطح معناداری برای تمامی آزمون ها ۰.۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها

در این بخش، ابتدا شاخص های توصیفی متغیرهای اصلی و سپس نتایج تحلیل های استنباطی برای آزمون فرضیه ها ارائه می شود.

آمار توصیفی: میانگین نمرات کل بافت خانواده (۱۵۲.۴۳)، ساختار خانواده (۱۰۴.۴۸)، اهمال کاری تحصیلی (۸۱.۲۲) و جامعه پذیری (۲۴.۷۳) محاسبه شد. لازم به ذکر است که در پرسشنامه جامعه پذیری، نمره بالا نشان دهنده سازگاری پایین تر است. از این رو، میانگین کل ۲۴.۷۳ از ۶۰، حاکی از سطح سازگاری نسبتاً مطلوب در نمونه است. همچنین، میانگین مؤلفه ها نشان داد که در میان ابعاد بافت خانواده، «انسجام و احترام متقابل» و در میان ابعاد ساختار خانواده، «سلامت جسمانی و روانی» دارای بالاترین میانگین و در میان ابعاد اهمال کاری، «آماده سازی برای تکالیف» دارای بالاترین میانگین بودند.

نتایج آزمون همبستگی: نتایج ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۱ نشان داد که تمامی فرضیه های پژوهش تأیید می شوند. به طور خلاصه:

- بافت خانواده با اهمال کاری تحصیلی ($r = -0.38$ و با جامعه پذیری ($r = -0.44$) همبستگی منفی و معنادار دارد.
- ساختار خانواده نیز با اهمال کاری ($r = -0.32$ و با جامعه پذیری ($r = -0.36$) همبستگی منفی و معنادار نشان داد.

جدول ۱. ماتریس همبستگی بین نمرات کل متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴
۱. بافت خانواده	۱			
۲. ساختار خانواده	۰.۵۱**	۱		
۳. اهمال کاری تحصیلی	۰.۳۸**	۰.۳۲**	۱	
$p < 0.01$				

نتایج تحلیل رگرسیون: برای ارزیابی توان پیش بینی کنندگی متغیرها، دو مدل رگرسیونی اجرا شد.

۱. **رگرسیون همزمان:** نتایج نشان داد که ترکیب ۱۲ مؤلفه بافت و ساختار خانواده، ۲۴ درصد از واریانس اهمال کاری ($R^2=0.28$, $F=11.27$, $p<0.001$) را تبیین می کند. در این مدل، مؤلفه های «انسجام و احترام متقابل»، «تصمیم گیری و حل مسئله» و «سلامت جسمانی و روانی» قوی ترین پیش بینی کننده های اهمال کاری بودند. برای جامعه پذیری نیز «انسجام و احترام متقابل» قوی ترین پیش بینی کننده بود.
۲. **رگرسیون سلسله مراتبی:** برای کنترل اثر متغیرهای جمعیت شناختی، تحلیل سلسله مراتبی انجام شد. نتایج در جدول ۲ نشان می دهد که پس از کنترل متغیرهای دموگرافیک، بافت خانواده سهم افزوده بیشتری (۱۵٪) برای اهمال کاری و ۲۰٪ برای جامعه پذیری) نسبت به ساختار خانواده (۶٪ و ۵٪) در تبیین واریانس متغیرهای وابسته دارد.

جدول ۲. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی

متغیر ملاک	گام	متغیرهای وارد شده	R^2	ΔR^2	Sig. ΔR^2
اهمال کاری	۱	متغیرهای جمعیت شناختی	۰.۰۳	۰.۰۳	۰.۰۱۳
	۲	+بافت خانواده	۰.۱۸	۰.۱۵	<0.001
	۳	+ساختار خانواده	۰.۲۴	۰.۰۶	<0.001

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین رابطه بافت و ساختار خانواده با اهمال کاری تحصیلی و جامعه پذیری انجام شد. یافته ها نشان داد که هر دو بعد خانواده با متغیرهای وابسته رابطه منفی و معنادار دارند، اما سهم بافت خانواده به مراتب برجسته تر است. در ادامه، نتایج مربوط به فرضیه ها، هم سویی با پژوهش های پیشین و تفسیر آنها ارائه می شود.

فرضیه اصلی رابطه بافت و ساختار خانواده با اهمال کاری و جامعه پذیری تأیید شد. نتایج نشان داد که هر دو بعد خانواده با کاهش اهمال کاری و افزایش جامعه پذیری (سازگاری بهتر) همراه هستند. این یافته با نتایج پژوهش های مختاری (2023)، ویسی و همکاران (2025) و خاتون (2021) که بر نقش بنیادین خانواده در رفتارهای تحصیلی و روانی نوجوانان تأکید دارند، کاملاً همسو است. وجود همبستگی مثبت بین بافت و ساختار خانواده ($r=0.51$) نشان می دهد که این دو بعد در هم تنیده هستند؛ اما قدرت تبیین بالاتر بافت در رگرسیون سلسله مراتبی، نشان دهنده اولویت کیفیت روابط عاطفی بر کمیت منابع مادی است. به عبارتی، در جامعه شیراز با وجود تغییرات مدرن، ارزش های خانواده محور همچنان نقش سپر محافظتی در برابر آسیب های روانی-اجتماعی را ایفا می کنند. خانواده ای که از انسجام و احترام متقابل برخوردار است، می تواند به عنوان یک پایگاه امن، نوجوان را در برابر فشارهای تحصیلی و اجتماعی مقاوم تر کند، حتی اگر از منابع مالی فراوانی برخوردار نباشد.

فرضیات فرعی مرتبط با بافت خانواده: تمامی فرضیات مربوط به رابطه مؤلفه های بافت خانواده با ابعاد جامعه پذیری (فرضیه های ۱، ۲، ۳) و اهمال کاری (فرضیه ۷) تأیید شدند. قوی ترین همبستگی ها به ویژه با بعد عاطفی جامعه پذیری بود. این یافته با نتایج ایمانی و همکاران (2022) و حیدری زاده و همکاران (2022) که به نقش جو عاطفی و انسجام خانواده در خودتنظیمی عاطفی و کاهش تعلل اشاره داشتند، همسو است. نکته قابل تأمل، نقش ضعیف تر باورهای مذهبی در این روابط بود. یافته ها نشان داد باورهای مذهبی عمدتاً از طریق تقویت انسجام خانوادگی، اثر غیرمستقیم بر متغیرهای وابسته دارند و اثر مستقیم قابل توجهی بر سازگاری آموزشی و اهمال کاری نشان نمی دهند. این موضوع نشان می دهد که کارکرد مذهب در خانواده های شیرازی بیشتر از طریق ایجاد فضای اخلاقی و انسجام عمل می کند تا از طریق نسخه های مستقیم رفتاری. همچنین، رابطه ضعیف تر بافت خانواده با سازگاری آموزشی در مقایسه با ابعاد عاطفی و اجتماعی، گویای این واقعیت است که عملکرد تحصیلی تحت تأثیر عوامل متعدد مدرسه ای و فردی (مانند هوش، کیفیت تدریس) نیز قرار دارد و نمی توان آن را صرفاً به خانواده نسبت داد. (Go et al., 2024)

فرضیات فرعی مرتبط با ساختار خانواده: این فرضیات (۴، ۵، ۶، ۸) نیز تأیید شدند، هرچند با ضرایب همبستگی ضعیف تر. در این میان، «سلامت جسمانی و روانی» خانواده، قوی ترین پیش بینی کننده برای هر چهار متغیر بود که با نتایج میلر و همکاران (۲۰۲۴) در مورد نقش حمایت اجتماعی خانواده بر کاهش اهمال کاری و کاهش استرس، همخوانی کامل دارد. «زمان با هم بودن» نیز به عنوان یک مؤلفه کلیدی، با سازگاری عاطفی و کاهش اهمال کاری مرتبط بود که نشان دهنده اهمیت حضور فیزیکی و نظارت والدین است. در بعد آموزشی، «تسهیلات تحصیلی» و «تحصیلات والدین» قوی ترین همبستگی را نشان دادند که با یافته های گو و همکاران (۲۰۲۴) درباره نقش محیط خانه و مشارکت والدین در پیشرفت تحصیلی، کاملاً همسو است. نکته قابل بحث، نقش کم رنگ «منابع مالی» در این روابط بود. این یافته ناهمسو با برخی پژوهش های دیگر، نشان می دهد که در بستر فرهنگی شیراز، صرفاً داشتن درآمد بالا نمی تواند تأثیر منفی ضعف در روابط عاطفی یا سلامت روانی خانواده را جبران کند. به عبارتی، «پول» به تنهایی نمی تواند «مهر و محبت» و «امنیت روانی» را برای نوجوان فراهم آورد.

در مجموع، یافته های این پژوهش به وضوح نشان می دهد که هر دو بعد بافت و ساختار خانواده برای سلامت تحصیلی و روانی نوجوانان ضروری هستند، اما اولویت با «چگونگی» روابط (بافت) بر «چه مقدار» امکانات (ساختار) است. این نتیجه، تلویحات مهمی برای سیاست گذاران آموزشی و مشاوران خانواده دارد و بر لزوم طراحی برنامه های توانمندسازی خانواده با محوریت بهبود مهارت های ارتباطی، حل مسئله و افزایش انسجام عاطفی تأکید می کند.

با این حال، پژوهش حاضر با محدودیت هایی نیز روبرو بود. از جمله، روش تحقیق مقطعی که امکان نتیجه گیری درباره روابط علی را نمی دهد. همچنین، تمرکز بر دانش آموزان پسر و مدارس دولتی یک ناحیه از شهر شیراز، تعمیم پذیری نتایج را با احتیاط مواجه می سازد.

برای پژوهش‌های آتی، انجام مطالعات طولی، بررسی نقش متغیرهای واسطه‌ای مانند خودکارآمدی و تاب‌آوری و نیز بهره‌گیری از روش‌های کیفی برای درک عمیق‌تر تجارب نوجوانان پیشنهاد می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در مطالعه حاضر ملاحظات مختلف اخلاقی پژوهش کیفی رعایت گردید.

حامی مالی

هزینه‌های مطالعه حاضر توسط نویسندگان مقاله تامین شد.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ گونه تعارض منافع ندارند.

References

Ali-Mehdi, M.(2013). Predicting emotional, social and academic adjustment of students based on Gray's biological personality model. *Journal of Medical Sciences of Islamic Azad University*, 23(4), 240-244. [in persian]

Darmon, M. (2023). *Socialization*. John Wiley & Sons.

Go, X., Hassan, N. C., & Sulaiman, T. (2024). The relationship between family factors and academic achievement of junior high school students in rural China: Mediation effect of parental involvement. *Behavioral Sciences*, 14(3), 221.

Heydarieh-Zadeh, B. S., Pakdaman, S., & Estebarqi, M. (2022). The relationship between family emotional climate and academic procrastination in students: The mediating role of cognitive inflexibility (experiential avoidance). *Family Research*, 18(2), 371-386. [in persian]

Imani, S., & Zakeri, M. (2022). Comparison of academic procrastination and emotional self-regulation in students with and without addicted parents. *The 5th International Conference on Educational Psychology: Educational Interventions*, Tehran. [in persian]

Khatun, N. (2021). Psychological well-being in different family types based on the contextual model of family process and content [Master's thesis, Islamic Azad University, Shiraz Branch. [in persian]

Miller, A., Bravo, D., Arnold, E., Rincon, B., & Murray, C. (2024). Examining social support and procrastination among college students. *Frontiers in Psychology*, 15, 1425524.

Mokhtari, F. (2023). The relationship between family functioning and academic procrastination in second secondary school students in Borkhar. *The 2nd International Conference on Educational Sciences, Psychology, Social Sciences and Medical Sciences*. [in persian]

Samani, S. (2008). *Family Process and Content Self-Report Scales*. Shiraz University Press. [in persian]

Sinha, A. K. P., & Singh, R. P. (1993). *Manual for Sinha's Adjustment Inventory*. National Psychological Corporation.

Solomon, L. J., & Rothblum, E. D. (1984). Academic procrastination: Frequency and cognitive-behavioral correlates. *Journal of Counseling Psychology*, 31(4), 503-509.

Svartdal, F., Pfuhl, G., Larsen, T., & Samdal, B. (2020). How study environment fosters academic procrastination: Overview and recommendations. *Frontiers in Psychology*, 11, 540910.

Tavani, M., Karimollahi, N., & Mohammadi, A. (2021). Sociological analysis of identity and users on Telegram and Instagram social networks (Case study: Third grade high school students in Shiraz). *Space Planning and Planning (Geography)*, 12(48), 432-447. [in persian]

Veisi, F., Babaei, A., & Ahmadi, A. (2025). Predicting tendency to substance abuse based on academic alienation, family functioning and academic procrastination with the mediating role of emotional intelligence in students. *Social Psychology Research*, 57(1), 17-30.[in persian]